

نقد و بررسی

«مجموعه خاطرات انقلاب اسلامی به روایت مردم خراسان شمالی»

مریم طالبی، ساره مشهدی میقانی و مریم حاجی‌زاده.

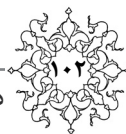
چکیده:

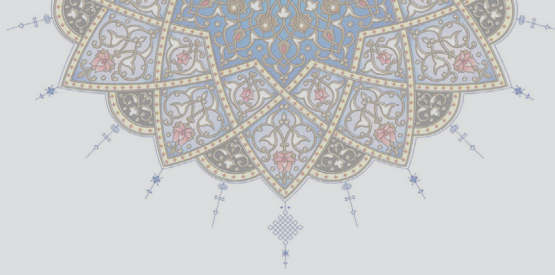
نوشتار حاضر در پی نقد و بررسی خاطرات شفاهی این مجموعه خاطرات انقلاب اسلامی به روایت مردم خراسان شمالی در هفت جلد می‌باشد که ۹۱ راوی و ۵۱۰ خاطره را دربر دارد. نقد این مجموعه به شیوه تبیینی - تحلیلی صورت گرفته است. عدم توجه به بیان سه عنصر اصلی زمان، مکان و راوی در بسیاری از خاطرات گفته شده مهم‌ترین نقد وارده بر این اثر است. این عدم توجه در بسیاری از موارد سبب شده است خاطرات، داستانی و در برخی موارد گزارشی جلوه نمایند. اهمیت و ضرورت این نوشتار آن است که توجه به تقد‌های مطرح شده در این پژوهش، از سوی پژوهشگران و نویسندگان خاطرات شفاهی سبب ارائه کارهای جامع‌تر در آینده خواهد بود و از تکرار نواقص موجود جلوگیری خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی، انقلاب، خراسان شمالی، بجنورد، جاجرم، گرمه، شیروان.

تاریخ شفاهی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۶، پائیز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۱۷-۱۰۲





نقد و بررسی

«مجموعه خاطرات انقلاب اسلامی به روایت مردم خراسان شمالی»

مریم طالبی^۱، ساره مشهدی میقانی^۲ و مریم حاجی‌زاده^۳

مقدمه:

تولید اثر در زمینه تاریخ شفاهی^۴ مشکلات خاص خود را به همراه دارد؛ شناسایی راویان و ضبط و ثبت خاطرات آن‌ها کاری سخت، در عین حال گامی مفید و شایسته در زمینه تاریخ این مرز و بوم می‌باشد و قابل تحسین و تکریم است. زمانی که تاریخ شفاهی یک سرزمین ثبت گردد در آینده از خرافات و دروغ به‌ویژه در زمینه ارجاع و استناد در امان خواهد ماند به شرط آنکه در زمان مناسب، به شیوه درست و بر پایه اصول آن انجام پذیرد.

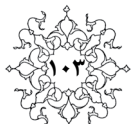
مجموعه خاطرات انقلاب اسلامی به روایت مردم خراسان شمالی در هفت جلد از سوی دفتر مطالعات پایداری حوزه هنری خراسان شمالی توسط مهدی الهی‌فرد نگاشته شده است. جلد اول «پاپرنه‌ها» به روایت مردم بجنورد، جلد دوم «کاخ و کوخ» به روایت مردم شیروان، جلد سوم «فریاد در خاموشی» به روایت مردم اسفراین و جلد چهارم «پینه به دست‌ها» به روایت مردم مانه و سملقان در سال ۹۱ و جلد پنجم «طعم انقلاب» به روایت مردم فاروج، جلد ششم «رضا و نارضا» به روایت مردم جاجرم و جلد هفتم «مشقت و درفش» به روایت مردم گرمه را در سال ۹۲ انتشارات سوره مهر به چاپ رسانده است. این مجموعه شامل خاطرات شفاهی ۹۱ نفر از انقلابیون هشت شهرستان استان خراسان شمالی شامل: بجنورد، شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، فاروج، جاجرم و گرمه با ۵۱۰ خاطره است. جلد اول بیست و دو روای و ۷۵ خاطره، جلد دوم ۶۷ خاطره از ده روای، جلد سوم یازده روای با ۷۱ خاطره، جلد چهارم ده روای و ۷۱ خاطره، جلد پنجم ۸۱ خاطره از هفده روای، جلد ششم یازده روای با ۷۲ خاطره و جلد هفتم دوازده روای و ۷۳ خاطره را شامل می‌شود. در ابتدای هر جلد مقدمه‌ای مختصر و داستانی در باب منطقه مورد نظر بیان شده و بعد خاطرات

۱. کارشناس بخش آفرینش‌های ادبی؛ دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری شهرستان اراک و کارشناس زبان و ادبیات فارسی؛ Maryamtalebi78@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگر تاریخ شفاهی در حوزه هنری استان مرکزی (نویسنده مسئول)؛ asemaneshab65@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگر تاریخ شفاهی در حوزه هنری استان مرکزی؛ asemaneshab65@yahoo.com

۴. تاریخ شفاهی روش خاصی از تاریخ‌پژوهی است که پس از مکتب آنال و بعد از تاریخ اجتماعی در حوزه مطالعات فرهنگی و خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. تاریخ شفاهی را می‌توان تاریخ از بابت نقل شفاهی دانست، نه از آن روی که صاحب خاطره هر جوری خواست بگوید و بنویسد، بلکه تنها از طریق گفت‌وگوی مورخ پارسا با صاحب خاطره که به نحوی فعال، روشمند و مورخانه به انجام می‌رساند، به تعبیری از مسیر هم‌پرسی و هم‌سخنی اندیش‌ورانه که به آن محادثه، محاضره، مباحثه و در جاهایی مجادله با جدل احسن می‌گویند. کمری، (۱۳۹۵). تاریخ شفاهی اعم از خاطره‌نویسی است و خاطره‌نویسی اعم از خاطره‌نگاری. سایت <http://oral-history.ir>. آذر ماه.



راویان آمده است. این خاطرات از رنج‌ها و تلاش‌های مردم این مناطق، در مبارزه با ظلم و استبداد برای به‌ثمر رسیدن انقلاب حکایت می‌کنند. مجموعه حاضر، سندی مهم و ارزشمند از حضور و فعالیت مردم این دیار در انقلاب می‌باشد.

این نوشتار در پی آن است تا این مجموعه را به شیوه تبیینی-تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار دهد. این نقد و بررسی به‌شکل کلی و جزئی در باب کل مجموعه و بیشتر براساس متن خاطرات راویان صورت پذیرفته است. در بیان خاطرات تاریخ شفاهی باید سه عنصر اصلی زمان، مکان و راوی را مدنظر داشت تا بتوان حقایق تاریخی را به‌شکل مستند، مؤثق و قابل‌ارجاع برای آیندگان ثبت کرد که در این اثر، در بسیاری از موارد این امر مورد بی‌توجهی قرار گرفته است که از آن می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین نقد وارده بر خاطرات این مجموعه، نام برد. کتاب مذکور، با وجود آنکه دارای خطا و نیازمند نقد است می‌تواند برای فعالان این عرصه مفید واقع شود؛ آن‌ها می‌توانند این کتاب را مطالعه کنند و نقاط ضعف آن را دریابند سپس در پژوهش‌های آتی خود نقاط ضعف را رفع کرده و کاری بهتر ارائه دهند.

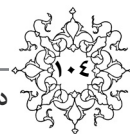
اهمیت و ضرورت این نوشتار در این است که، توجه به نقدهای مطرح شده در این پژوهش، از سوی پژوهشگران و نویسندگان خاطرات شفاهی، سبب ارائه کارهای جامع‌تر در آینده خواهد بود و از تکرار نواقص موجود جلوگیری خواهد کرد. در واقع توجه به این نقدها سبب می‌شود زمان، هزینه و تلاش‌ها، برای ارائه کارهای مؤثرتر، جذاب‌تر، جامع‌تر، مؤثق‌تر و مستندتر صرف شوند.

نقد و بررسی

مطالعه این مجموعه علی‌رغم مزایایی که برای مخاطب دارد، عاری از اشکال نمی‌باشد و نقدهایی بر این اثر وارد است. چنانچه اگر نویسنده به این موارد دقت و آن‌ها را در اثر خود اعمال می‌کرد می‌توانست مجموعه‌ای بهتر و مفیدتر به مخاطبان خاص و عام تاریخ شفاهی ارائه دهد. در این نوشتار سعی شده است مواردی از این نقدها بیان شود و مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مقدمه‌های ناقص

نویسنده باید در مقدمه اثر، شیوه کار، چگونگی ساختار و سازماندهی اثر خود را شرح دهد تا خواننده بتواند به کلیتی معقول در مورد متن دست یابد. در این مجموعه غفلت نویسنده از پرداختن به شیوه کار، نوع سازماندهی و چگونگی انجام کار در مقدمه، سبب ایجاد ابهام و پرسش این سؤال برای خوانندگان است که دلیل به‌کارگیری بیان مطالب به‌شکل درهم ریخته و آشفته که از فهرست مطالب آغاز می‌شود و با بیان خاطرات تداوم و با توضیح ناقص نویسندگان در پایان هر جلد به پایان می‌رسد چه بوده است.



مؤلف می‌بایست در مقدمه شرح کاملی از موضوع مدنظر و مؤلفه‌های مرتبط با آن بیان می‌کرد اما مقدمه‌های این کتاب مختصر می‌باشند و این اختصار سبب شده است تا اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده قرار نگیرد. همانند توضیحاتی که در معرفی مناطق موردنظر هر جلد، داده شده است مثلاً در جلد دوم صفحه ۱۱ توضیح کوتاه و ناقصی در مورد شهر شیروان آمده است در حالی که بهتر بود نویسنده در مقدمه هر جلد منطقه موردنظر را براساس منابع مؤثق و معتبری که در این زمینه وجود دارد به خواننده معرفی می‌کرد؛ اما در مقدمه‌های هر هفت کتاب، تنها به صورت کوتاه به مناطق اشاره شده و شرح دقیقی و مفصلی از جزئیات آن نواحی بیان نشده است. در نتیجه، مناطق ذکر شده برای خواننده مبهم و در مواردی ناشناخته باقی مانده‌اند.

متن مقدمه داستانی، احساسی و به‌زبان شفاهی نوشته شده است؛ در حالی که می‌بایست به زبان نوشتاری نگاشته می‌شد و اطلاعات آن برپایه منابع مؤثق و معتبر می‌بود. همچنین میزان دخل و تصرف مؤلف در روایات، مکتوم و نامشخص است؛ بهتر بود در مقدمه در این باب اطلاعاتی از سوی نویسنده کتاب بیان می‌گشت.

محدوده زمانی خاطرات در مقدمه بیان نشده است؛ باید نویسنده آن را در مقدمه ذکر می‌کرد؛ در حالی که خواننده تصور می‌کند خاطرات این کتاب متعلق به دوران انقلاب و بیشتر مرتبط با سال ۵۷ است اما زمان وقوع برخی از خاطرات، به دوران ماقبل آن، حتی تا دوران قاجاریه نیز می‌رسد. در برخی از جلدها محتوای خاطره بیان شده بیشتر در مورد موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی یک منطقه می‌باشد مثلاً در جلد سوم صفحه ۱۳ خاطره‌ای تحت‌عنوان «اسفراین» در مورد منطقه اسفراین است و یا در جلد چهارم در صفحات ۱۳ و ۱۴ خاطراتی با عنوان «آش‌خانه» و «پیش قلعه» در معرفی مناطق مذکور می‌باشد و یا در جلد ششم، صفحه ۱۳ خاطره‌ای با عنوان «جاگرم» اطلاعاتی در مورد این منطقه بیان کرده است که بهتر بود اطلاعات و مطالب این چینی ذیل مطالب مقدمه و در تکمیل آن آورده می‌شدند.

۲- نداشتن چارچوب و قالب‌بندی مناسب

عناوین انتخاب شده برای هر جلد و هر خاطره خلاقانه و جذاب می‌باشند. تفکیک خاطرات براساس منطقه بسیار معقول و مناسب است و در نظم و یکدستی اثر هم، تأثیر گذاشته اما بهتر بود خاطرات در قالبی یکدست ارائه می‌شد تا این عنوان‌بندی‌ها بیشتر کرد و ارزش پیدا می‌کرد. در چیدمان کلی خاطرات نظم خاصی جز در مواردی نظیر آمدن امام و پیروزی انقلاب که آن هم موردنقد است، مشاهده نمی‌گردد و دقیقاً مشخص نیست که چرا داستان‌ها در این اثر به این طریق پشت‌سرهم آمده‌اند. گاه باید کتاب را تماماً بخوانی تا بتوانی، خود بر پایه اطلاعاتی که در این زمینه دارا هستی، دلیل آن را بیابی. اگر چینش داستان‌ها برحسب زمان و سال رویداد وقایع و یا



براساس موضوعات مشابه مثل خاطرات ورود امام یا پیروزی انقلاب و وقایع بعد از آن است، باید این عنوان‌بندی در فهرست مطالب، اعمال و مشخص می‌شد.

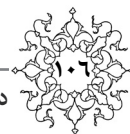
توجه به فهرست مطالب این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا روایت‌های مرتبط با هر راوی پشت‌سرهم نیامده است. برای مثال در جلد دوم داستان «توبه خان» به روایت آقای قربانی در صفحه ۱۳ آمده و بعد داستان «زمین‌های مهدوی» به روایت آقای توفیقی در صفحه ۱۴ و در صفحه بعدی خاطره «کارخانه قند» به روایت آقای بهجتی بیان شده است. سپس در صفحات ۱۶ و ۱۷ باز خاطرات آقای قربانی بیان شده و مجدداً در صفحه ۱۸ داستانی از آقای توفیقی و بعد سه داستان از آقای قربانی آمده است. این روال در تمام چینش مطالب این مجموعه اعمال گشته است که سبب پراکندگی و طولیل‌شدن بی‌جهت فهرست مطالب و آشفتگی در متن شده است. بهتر بود تمام داستان‌های مرتبط با هر فرد یک جا بیان می‌شد مثلاً داستان‌های آقای محمدیوسف قربانی شامل «توبه خان»، «دعا برای میلانی‌زاده»، «تشویق معازهدار بر روی منبر»، «کمک به فقرا»، «چرا زخم را بوسیدی؟» و ... داستان‌های آقای حسین توفیقی شامل «زمین‌های مهدوی»، «سربازی»، «نماینده مردمی شاه»، «دنقره شیاردن چخمید» و الی آخر.

در کتب حاضر، گاهی بعد از بیان چند خاطره، موضوع خاطرات تغییر می‌کند؛ بهتر بود یک بخش‌بندی براساس تغییر موضوعات انجام می‌شد مثلاً یک صفحه تیتیر می‌خورد «خاطرات دانشگاه» و ذیل آن خاطرات مرتبط با موضوع دانشگاه آورده می‌شد و بعد از اتمام خاطرات این موضوع، خاطرات مرتبط با موضوع بعدی تیتیر زده می‌شد و خاطره‌های آن ذیل تیتیر بیان می‌گشت و این روند تا پایان کتاب ادامه می‌یافت؛ اعمال این شیوه به بیان خاطرات، نظم و انسجام بیشتری می‌بخشید.

در برخی جلدها، خاطرات با تصویر و عنوانی از سایر بخش‌ها جدا شدند؛ مثلاً در جلد ششم، صفحه ۷۷ با تصویر و عنوان «امام آمد» از مطالب قبلی جدا شده است و از صفحه هفتاد و هفت به بعد وقایع مرتبط با ورود امام و بعد از آن بیان می‌شود. بهتر بود در کل این مجموع حوادث با موضوعات یکسان به این شکل از هم جدا می‌شدند تا یکپارچگی بیشتری ایجاد می‌گشت. بیان داستان‌ها پشت‌سرهم و بدون بخش و فصل‌بندی، سبب ایجاد نوعی ابهام شده است.

۳- معرفی ناقص راویان

راویان خاطرات می‌باید به‌گونه‌ای معرفی شوند که تصویری روشن از آن‌ها در ذهن خواننده نقش بندد. معرفی راوی اگر در ابتدای داستان کامل و همه‌جانبه صورت پذیرد در ارتباط‌گیری و تصویرسازی خواننده با خاطرات نقش مؤثری دارد، به افکار خواننده نظم می‌بخشد و درک و فهم بهتری از خاطرات را برای وی ایجاد می‌کند. در این مجموعه نام و نام خانوادگی راویان در فهرست



مطالب ذکر شده و معرفی آن‌ها در پایان هر جلد آمده است. برای دانستن این امر که خاطره را کدام یک از روایان روایت کرده است و او دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد می‌باید همواره نگاهی به فهرست مطالب و بعد نگاهی به پایان کتاب بیاندازیم. به علت تعداد زیاد خاطرات، انجام اینکار خواننده را به زحمت می‌اندازد و گاه خسته می‌کند و همچنین سبب عدم تمرکز وی می‌شود بنابراین، بهتر بود خاطرات هر راوی یکجا بیان و راوی در ابتدای آن معرفی می‌شد.

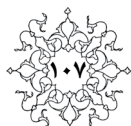
معرفی روایان در پایان کتاب نیز بسیار مختصر است و فقط به اطلاعاتی چون نام و نام خانوادگی، نام پدر، سال تولد و محل تولد راوی بسنده شده که البته در برخی موارد نیز این اطلاعات اندک هم، کامل ذکر نشده است برای مثال تاریخ تولد محمدباقر سعادت در جلد دوم در صفحه ۹۱ یا تاریخ تولد و نام پدر برات علی رضایی در جلد سوم صفحه ۹۱، بیان نشده است. در برخی از خاطرات نیز معرفی راوی صورت نپذیرفته است برای مثال بیان اشعار آیت‌الله ادیب اصفهانی تحت‌عنوان «دست دزدان همه بر شانه شاه است» در صفحه ۸۹ جلد دوم، خواننده را بر این گمان می‌دارد که آقای ادیب اصفهانی نیز جزو روایان است؛ چنانچه در فهرست مطالب به عنوان راوی ذکر شده اما در بخش معرفی روایان در صفحه ۹۱ در پایان جلد دوم، بیوگرافی ایشان نیامده است. در جلد چهارم در صفحه ۹۱ نیز سروده‌ای با عنوان «شهید انقلاب» از آقای سهراب محمدی به همین شکل بیان شده اما راوی معرفی نشده است.

در این مجموعه در بخش معرفی روایان، اطلاعات کاملی بیان نشده است از جمله شغل، میزان تحصیلات، محل سکونت، وضعیت معاش، ویژگی‌های بارز اخلاقی و اجتماعی راوی و مواردی که گاه با توجه به شخصیت و خاطرات فرد ضرورت دارد ذکر شوند، مورد غفلت قرار گرفته است. همچنین در این اثر دلیل انتخاب روایان و مصاحبه با آن‌ها نامشخص است؛ تنها در مقدمه جلد دوم در صفحه ۱۲ به اختصار آمده که از روایان مؤثق مصاحبه گرفته شده اما درباره دلایل مؤثق بودن آن‌ها توضیحی داده نشده است. بهتر بود در مقدمه یا در قسمت معرفی راوی در باب روایان و دلیل انتخاب آن‌ها مطالبی بیان می‌شد.

در جلد سوم در صفحات ۸۸ تا ۸۹ بیاناتی از مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله عالی) با عنوان «اسفراين ديروز؛ اسفراين امروز» آمده و در فهرست مطالب به عنوان خاطره بیان شده است که جزو خاطرات دوران انقلاب نمی‌باشد و متعلق به ۲۲ مهر سال ۱۳۹۱ است، بهتر بود این مطالب در قسمت مقدمه بیان می‌شد.

۴- تصاویر ابهام برانگیز

تصاویر و رنگ هر جلد خلاقانه، شکیل و بسیار زیبا هستند و این امر سبب جذابیت اثر شده است. همچنین عناوین انتخاب شده برای هر جلد و هر خاطره خلاقانه و جذاب می‌باشند، با این حال در

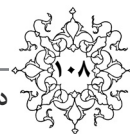


برخی از جلد‌های این مجموعه، ناگهان در خلال خاطرات، تصویری و یا نوشته‌ای آمده که علت آمدن آن ذکر نشده است مثلاً «ان مع العسر يسرا» در صفحه ۷۳ جلد دوم، و «ان مع العسر يسرا» در جلد چهارم صفحه ۷۱ و یا عنوان «امام آمد و رژیم متلاشی شد» در صفحه ۷۷ جلد ششم. مشخص نیست که چرا در این صفحات چنین امری رخ داده است؟ آیا بین داستان‌های این عناوین با داستان‌های قبل تفاوتی وجود دارد؟ چرا این بخش‌بندی در برخی جلد‌ها انجام شده و آن هم تنها در یک بخش، اما در سایر جلد‌ها همانند جلد سوم، پنجم و هفتم انجام نشده است؟ همچنین چرا در فهرست مطالب این تقسیم‌بندی درج نشده است؟ علاوه بر این، انجام این بخش‌بندی به شکل مذکور سبب بی‌نظمی در این مجموعه شده است.

۵- عدم یکدستی در نوع نگارش

با توجه به نبود ساختار مشخص و مدون برای نگارش خاطرات شفاهی، سبک‌ها و شیوه‌های متفاوتی برای این کار وجود دارد. برخی زبان شفاهی و برخی هم زبان نوشتاری را برای ثبت خاطرات توصیه می‌کنند؛ مسئله رد و یا تأیید این روش‌ها نیست؛ آنچه اهمیت دارد این است، متنی که قرار است در اختیار خواننده قرار بگیرد باید از ساختاری واحد برخوردار باشد تا هم جذاب بوده و هم مطالب به شیوه مطلوبی به مخاطب منتقل گردد. بهتر بود زبان نوشتاری در تحریر خاطرات شفاهی استفاده و گویش‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات خاص هر منطقه به زبان همان منطقه بیان می‌شد و در گیومه قرار می‌گرفت تا بدین طریق متن از وحدت و یکپارچگی برخوردار می‌گشت؛ در حالی که در این مجموعه بخشی از نوشته‌ها کاملاً به صورت نوشتاری یا کاملاً به صورت شفاهی و یا در برخی دیگر یک خط نوشتاری و یک خط شفاهی است.

هر چند که مؤلف در مقدمه جلد پنجم صفحه ۱۲ بیان داشته: «... تلاش‌مان بر این بوده که سلیقه‌های شخصی را کنار گذاشته و هر آنچه راویان گفته‌اند بدون کم و کاست بیاوریم. البته با تغییر زبان شفاهی به نوشتاری آن هم بدون تصرف در محتوا...» اما با توجه به متن خاطرات، به نظر می‌رسد چنین تغییری صورت نپذیرفته است. مقدمه‌های کتاب‌ها، بیشتر به صورت شفاهی بیان شده است مثلاً مقدمه جلد ششم تحت‌عنوان «رضا و نارضا» از چنین ویژگی برخوردار است. همچنین به‌کارگیری اصطلاحات عامیانه‌ای مثل «دک و پوزشان» صفحه ۲۰ و «خر کیف» در صفحه ۷۸ در جلد دوم، «داد و هوار» در جلد سوم صفحه ۵۸، «پول و پله»، «فک و فامیل» در صفحه ۳۵ و «فیهه خالدون» در صفحه ۴۲ در جلد چهارم، حکایت از شفاهی بودن متن‌ها دارد. علاوه بر این، ظاهر نوشتاری خاطرات نیز یکدست نیست. در برخی جلد‌ها مانند جلد دوم، دیالوگ‌های شفاهی از بیان نوشتاری متمایز شده است مثلاً دیالوگ‌ها در داستان «شاه را دعا نکردم» در جلد دوم صفحه ۳۴ چنین است:



گفت: چرا تهمت می‌زنی؟

گفتم: با همین دو تا گوش‌هام شنیدم ... و

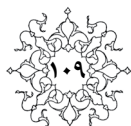
اما در برخی جلد‌ها چون جلد سوم، چهارم و ششم دیالوگ‌ها پشت سرهم آمده‌اند نظیر داستان «بگید مرگ بر شاه» جلد ششم، صفحه ۶۹: گفتم اینجا چه کار می‌کنی؟ گفت: دارم استراحت می‌کنم. گفتم: اینجا جای استراحت کردن نیست ... گفت: من کاری با شما ندارم و همچنین، در پاورقی ذکر سال‌ها، گاه به شکل حروفی و گاه به شکل عددی است مانند صفحه ۶۰ در جلد هفت و صفحه ۸۲ در جلد دو علاوه بر این، اطلاعات مربوط به افراد، اماکن و خیابان‌ها نیز به صورت پراکنده گفته شده است بهتر بود نخستین بار که نام آن‌ها ذکر می‌شد توضیحات‌شان نیز بیان می‌گشت.

۶- کلی‌گویی و عدم توجه به جزئیات

خاطرات مانند پارلی از یک رویداد هستند؛ باید جزئیات این پازل از جمله زمان، مکان، احساسات و عواطف، رفتارها و عکس‌العمل‌ها و ... در کنارهم قرار بگیرند تا تکمیل و برای شنونده یا خواننده تصویر شوند (طالبی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۲-۱۷۱). در بسیاری از خاطرات مطرح شده این مجموعه، زمان، مکان، احساسات، ویژگی‌های اشخاص و رفتارها بیان نشده و یا به صورت کلی بیان شده است به همین علت اکثر خاطرات بسیار مبهم می‌باشند.

با وجود اینکه این مجموعه با موضوع تاریخی انتشار یافته است زمان و مکان در بسیاری از موارد در آن مشخص نیست. از اهداف مهم آثاری که با موضوع تاریخ شفاهی نشر می‌یابد این است که گفته‌های شفاهی ضبط و ثبت شده، سند تاریخی شوند تا مورد استناد قرار گیرند اما در این هفت جلد عدم توجه به ذکر زمان، مکان و راوی که از عناصر اساسی در تاریخ شفاهی هستند، از درجه استنادی کار به شدت کاسته و منجر به بی‌اعتباری و عدم مستند بودن آن شده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت خاطرات این کتاب‌ها شبیه افسانه و اسطوره که عنصر زمان در آن‌ها غایب است، خیالی و غیرواقعی جلوه می‌کنند و این امر سبب شده است که گفته‌های راویان بیشتر جنبه داستانی و سرگرمی پیدا کند تا تاریخی.

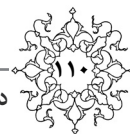
تاریخ رویداد وقایع در برخی جلد‌ها چون جلد دوم وجود ندارد اما در جلد‌های دیگر مانند چهار، پنج و شش، زمان گه‌گاه خود را در خاطرات نشان می‌دهد. به طور مثال در داستان «زمین‌های مهدوی» در جلد دوم صفحه ۱۴، سال رخ دادن حادثه نامشخص است؛ در داستان «کارخانه قند» در جلد دوم صفحه ۱۵ سال خرید کارخانه توسط هُزُر بیان نشده است. در خاطره «نماینده بی‌سواد» در جلد دوم صفحه ۳۲، انتخابات جدیدی در شیروان رخ داده اما کدام دوره و چه سالی مشخص نیست. همچنین در صفحات ۱۸ و ۱۹ در داستان «سربازی»، که خاطرات با جزئیات بیشتری بیان



و حضور راوی در خاطره احساس می‌شود همچنان عنصر زمان مفقود است. در جلد چهارم در خاطره‌های «استفاده‌ای که از نفت می‌شد» صفحه ۱۵ و «غذای بهشتی» در صفحه ۱۹ مشخص نیست راوی چند سال دارد و از چه دوره زمانی خاطره خود را روایت می‌کند. همچنین در صفحه ۲۹ مشخص نیست که آقای خانلر در چه دوره‌ای به‌عنوان نماینده مردم بجنورد اعلام شده است و نیز مشخص نیست خاطره‌های «انتخابات شیرین» در صفحه ۳۰ و «انتخابات آزاد مردمی» در صفحه ۳۱ مربوط به چه سال‌های می‌باشند.

مکان همواره در اکثر نوشته‌ها در ذهن خواننده مبهم و نامشخص باقی می‌ماند مثلاً در جلد دوم مکان کارخانه قند در صفحه ۱۵ و مسجد آذربایجانی‌ها صفحه ۱۶ و ۴۱؛ یا در خاطره «کمک به فقرا» در صفحه ۲۰ مکان مشروب‌فروشی و در خاطره «چرا زخم را بوسیدی» در صفحه ۲۱ مکان سینما مشخص نیست. در صفحه ۵۲ همین جلد بیان نشده است که حمله چماق به دست‌ها در کدام قسمت شهر رخ داده است و یا موقعیت جغرافیایی «درق» در جلد ششم صفحه ۳۹ مشخص نیست. در همین جلد در صفحه ۸۳ آمده است: «... صبح که از خانه بیرون می‌آمدیم، سه می‌رسیدیم خانه، آدرس را زود یاد گرفتیم. سوار خط واحد می‌شدم و نزدیک خانه پیاده می‌شدم.» اما آدرس مکان‌های که شخص در آن‌ها در حال تردد است معلوم نیست و یا در صفحه ۸۲ در خاطره «دیدار امام» آدرس مدرسه حقانی و یا آدرس منزل در صفحه ۸۴ بیان نشده است؛ یا در خاطره «خبر شورانگیز» صفحه ۸۵، معلوم نیست کدام خیابان مدنظر راوی است و خود او کجا ایستاده است؟

علاوه بر عدم بیان عناصر زمان و مکان، در بسیاری از خاطرات جزئیات مربوط به راوی در خاطره‌ای که روایت می‌کند مبهم است نظیر سن، شغل، تحصیلات، وضعیت زندگی و غیره؛ جزئیاتی که بیان آن‌ها در تعیین اعتبار خاطره وی بسیار مؤثر هستند. همچنین در مورد اجزا و عناصر دخیل در خاطرات به‌علت عدم ارائه اطلاعات کافی و جزئیات مرتبط با هر خاطره، ابهام‌هایی وجود دارد. به‌گونه‌ای که صحنه‌هایی مبهم در ذهن ایجاد می‌شود و سؤالات زیادی بی‌پاسخ می‌مانند. برای مثال در «خوش رقصی» در جلد دوم صفحه ۲۶، معلوم نیست راوی گروهبان بهارستان را از کجا می‌شناخته است؟ و یا در صفحه ۳۰ مشخص نیست مجلس شورای ملی مطرح‌شده مربوط به کدام دوره و چه سالی است؟ مسعودی کیست که نماینده مجلس شده و چه ویژگی‌های دارا بوده که انتخاب گردیده است و غیره. یا در همین جلد در داستان «انتخابات آزاد مردمی» در صفحه ۳۱، پاسخ سؤالاتی چون چه کسی صد نفر را برای رأی‌دادن با خود و به کدام مسجد می‌آورد و انتخابات مذکور مربوط به چه سالی است مشخص نیست. در صفحه ۴۲ آمده است: «... می‌آمدند مسجد پشت سر حاج‌آقا نماز می‌خواندند و ... فوری به ساواک گزارش می‌دادند ...» اما معلوم نیست این افراد چه کسانی و چه تعداد بودند و راوی چگونه مطلع بوده است که آن‌ها کوچک‌ترین اتفاق را از قلم نمی‌انداختند و گزارش می‌دادند. همچنین در صفحه ۴۲



همین جلد آمده است: «نوارها را می‌بردم خانه و زودی تکثیر می‌کردم و می‌رساندم دست آدم‌های مطمئن» که سؤال‌های زیر در باب آن مطرح است:

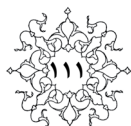
راوی نوارها را چگونه تکثیر می‌کرده است؟ خودش به تنهایی نوارها را تکثیر می‌کرده یا با دوستان و خانواده‌اش این کار را انجام می‌داده است؟ با توجه به خفقان موجود در سال‌های انقلاب آیا انجام چنین کاری دشوار نبوده است؟ و اینکه آدم‌های مطمئن که در این خاطره به آن‌ها اشاره شده، چه کسانی بودند؟ اما به هیچ یک از این موارد در متن پاسخی داده نشده است.

در خاطره «فری نگهبان» در جلد دوم صفحه ۶۵ درباره «فری» سوالات و ابهامات بی‌شماری وجود دارد که به آن‌ها در متن خاطره پاسخی داده نمی‌شود؛ سوالاتی چون اسم اصلی او چه بوده که به «فری» معروف شده است و اینکه آیا شغلش نگهبان بوده یا فامیلی‌اش. بهتر بود اطلاعات بیشتری از وی داده می‌شد. در جلد دوم صفحه ۷۱ و ۷۲ درباره شهادت آقای خوش‌قامت و خصوصیات و ویژگی‌های وی هیچ اطلاعاتی داده نشده است. یا در صفحه ۸۲ درباره شهادت «احمد رزاز» اطلاعاتی داده نمی‌شود. در صفحه ۸۴ نیز مشخص نیست راوی در باب چه کسی سخن می‌گوید و یا در جلد سوم صفحه ۸۳ مشخص نیست «شهید فرومندی» چه کسی است و چه منصبی دارد؟ در همین جلد در صفحه ۴۳ در ماجرای افتتاح سینما، اطلاعاتی در باب مکان سینما، دلیل حضور راوی در آنجا و سرانجام افتتاحیه داده نشده است. در صفحه ۴۵ نیز آمده «هم رئیس اتاق اصناف بود، هم رئیس حزب رستاخیز ...» اما در باب اینکه این فرد چه کسی است اطلاعاتی داده نشده است.

در ابتدای صفحه ۴۹ در جلد چهارم آمده: «با چوب و چماق و تیر آمده بودند ...» اما در باب اینکه این افراد چه کسانی هستند و از کجا آمدند مطلبی ذکر نشده است. در صفحه ۶۶ نیز تعداد و نام افرادی که کوکتل درست می‌کردند ارائه نشده است. در صفحه ۷۰ در ابتدای صفحه آمده است: «تو همه ماجراها با ما بود از شبگردی گرفته تا مسجد رفتن و راهپیمایی ...» اما مشخص نیست درباره چه کسی صحبت می‌شود.

خاطره «اعلام موضع» در جلد پنجم در صفحه ۴۶ بدون بیان جزئیات زمان و مکان است؛ همچنین جزئیات مربوط به «قلندر فاروج» ناگفته مانده است برای مثال وی چه کسی است و دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد. در صفحه ۵۰ بیان نشده است دو دانشجوی انقلابی که دستگیر شده‌اند چه کسانی هستند، چرا دستگیر شده‌اند و هم چنین در تحصنی که انجام شده است چند نفر حضور داشتند و چه کسانی بودند و ...

در جلد ششم صفحه ۷۶ آمده است: «... یکی آمد و اسلحه‌ای بهم داد و گفت تانک‌ها که اومدن، شلیک کن ...» اما اینکه «یکی» چه کسی است؟ راوی در کدام مکان قرار دارد و چه زمانی این واقعه رخ داده است؟ مشخص نیست. در داستان «لایحه قصاص» در همین جلد در صفحه ۹۰



آمده: «... به‌شان بد حالی کرده بودند و ... شصت نفری می‌شدند...» اما تا پایان داستان مشخص نیست اشخاص مدنظر راوی چه کسانی هستند!

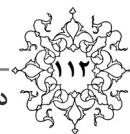
همچنین در خاطرات این مجموعه، از اشخاصی صحبت شده که در باب آن‌ها اطلاعاتی داده نشده و فقط گاهی نام و گاهی نیز نام‌خانوادگی آن‌ها ذکر شده است. «طاهری» در جلد دوم صفحه ۱۷؛ «حسن» و «اکبر» در صفحه ۶۳ همین جلد؛ «الهامی» در جلد سوم صفحه ۶۲؛ «قدرت، اسد، علی و محمد» در جلد چهارم صفحه ۴۰؛ «کوهستانی» در صفحه ۴۳ و «معصومیان» در صفحه ۴۷ در همین جلد؛ «رفیعی و سعادت» در جلد پنجم صفحه ۷۹؛ «امانی، یگانه، اجاللی و درویشی» در جلد هفتم صفحه ۲۸، که مشخص نیست چه کسانی و دارای چه ویژگی‌هایی هستند و حرفه و جایگاه اجتماعی آن‌ها به چه صورت بوده است!

عکس‌العمل‌ها و احساسات افراد در بسیاری از موارد نسبت به صحنه‌ها و رویدادهای رخ داده ناگفته مانده است. مثلاً در جلد دوم صفحه ۴۰ مشخص نیست زمانی که راوی عکس امام را می‌بیند چه احساس و عکس‌العملی دارد و یا در جلد چهارم در صفحه ۳۶ در خاطره «الفبای پهلوی» آمده است: «... خواهرم که آمد خانه، سرش خونی و چشم‌هایش هم سرخ!...» احساسات و عکس‌العمل مادر و راوی بیان نشده است.

در بسیاری از موارد مرز بین دیده‌ها و شنیده‌های راویان مشخص نیست. گاهی حضور راوی در داستان‌ها گم می‌شود. این امر سبب شده خواننده متوجه نشود، بیانات راوی حاصل دیده‌های او است یا شنیده‌های وی، مثلاً در جلد سوم در خاطره‌های «مفتخرالسلطنه» در صفحه ۱۴، «خان‌های اسفراین» در صفحه ۱۵، «دروازه بزرگ تمدن» در صفحه ۲۳، «چشم و چراغ شاه» در صفحه ۲۷ و «جاده آسفالت خاکی» در صفحه ۸۵ و در جلد پنجم خاطره‌های «هدیه پهلوی» در صفحه ۱۳، «اعلام موضع» در صفحه ۴۶ و «حیب بیل‌فروش» در صفحه ۷۹ و خاطره «کسی دعا کنه که نونشو می‌خوره» در جلد ششم صفحه ۲۶ مشخص نیست گفته‌ها بر مبنای دیده‌های راوی است یا جزو شنیده‌ها و مطالعات وی می‌باشد.

۷- خاطرات ناتمام

بدیهی است که در هر نوشتاری باید آغاز و سرانجام موضوع بیان و مشخص گردد. این امر در نوشتن خاطرات شفاهی باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. در این مجموعه در بسیاری از موارد، خاطرات راویان، ناتمام و بدون سرانجام رها شده‌اند. برای مثال در جلد دوم در صفحه ۳۸ خاطره «خیلی گردن کلفت» ادامه داستان نیمه‌کاره رها شده و مشخص نمی‌شود که برادر شاه به شیروان آمده است یا نه. در همین جلد صفحه ۵۱ ماجرای چماق به‌دست‌ها نیمه‌کاره رها شده و سرانجام آن ناگفته باقی مانده است. در جلد سوم صفحه ۴۳ ادامه خاطره بیان نشده و سرانجام راوی که در



این داستان دستگیر شده است مغفول می‌ماند و ذهن خواننده همچنان در پی آن است تا دریابد سرانجام راوی چه شده است آیا در ادامه کتک می‌خورد، زندانی می‌شود و یا همچنین در صفحه ۴۶ خاطره ناتمام باقی مانده است و با چنین جمله‌ای تمام می‌شود: «... برویم خانه هادیان را آتش بزنیم.» و خواننده نمی‌داند خانه وی را آتش زدند یا نزدند؟

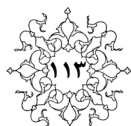
۸- عدم ارتباط تنگاتنگ خاطرات با مناطق مورد نظر

در بسیاری از این خاطرات تنها نامی از مناطقی که این مجموعه برپایه آنها، به هفت جلد منقسم شده است مشاهده می‌کنیم. اما در باب ویژگی‌های این مناطق چون ویژگی‌های ظاهری و رفتاری مردم، آداب و رسوم و اقلیم این مناطق اطلاعاتی حاصل نمی‌گردد. امری که در خلال این خاطرات در بسیاری از موارد ضرورت داشت از آن سخن به میان آورده شود که علاوه بر ضرورت بیان، باعث جذابیت خاطرات و فهم بهتر رفتارهای افراد می‌شد. جای تأسف است که فقط در مقدمه‌های هر جلد و گاه در برخی از خاطرات به صورت جزئی و کوتاه در باب این مناطق سخن گفته شده است. خاطرات باید چنان با منطقه مدنظر آمیخته گردد که خواننده بتواند خود را در آن منطقه حس و درک بیشتری از خاطره حاصل کند. اما در این هفت جلد در اکثر موارد به جای شناختن منطقه موردنظر از طریق متن خاطرات، خواننده باید عنوان را نگاه کند تا بفهد وقایع در چه منطقه‌ای رخ داده است. تنها از روی عناوین کتاب‌ها می‌توانیم به تفاوت آن‌ها با یکدیگر پی ببریم.

۹- پاورقی

استفاده از پاورقی برای شرح برخی اماکن، اشخاص و رویدادها از حسن‌های این هفت جلد کتاب می‌باشد البته در بیشتر موارد این کار به صورت ناقص انجام شده است. در بسیاری از خاطرات در جهت تکمیل، تصدیق و یا برای راستی آزمایی گفته‌های راویان در مورد زمان، مکان، اشخاص و وقایع ضروری بوده که از طریق پاورقی توضیحاتی آورده شود اما این امر صورت نپذیرفته است. به گونه‌ای که وقتی خاطرات را می‌خوانیم با تعداد زیادی اسامی اشخاص، اماکن، مفاهیم و اصطلاحات خاص روبه‌رو می‌شویم که برخی از آن‌ها بدون هیچ شرحی در متن نامشان ذکر شده است؛ در بسیاری از موارد موقعیت جغرافیایی مکان‌ها نامعلوم است و تنها کسانی که اهل آن دیار یا دارای اطلاعات جغرافیایی خوبی باشند از موقعیت آن مکان‌ها مطلع هستند. می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد:

در جلد دوم صفحه ۱۸ مفاهیمی چون «برات سوسه گذاشتن»، مفهوم «کله قرشده‌ش» در جلد پنجم صفحه ۸۴ و معنای «چوخه‌کار» در همین جلد در صفحه ۸۰ نیاز به توضیح داشته‌اند. در مقدمه جلد ششم تپه «چلوی سنخواست» نیاز به پاورقی و برای تلفظ نیاز به اعراب‌گذاری دارد.

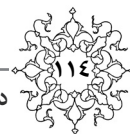


مفهوم «سالوس‌بازی» در همین جلد در صفحه ۵۰ یا منطقه «کُرف» در صفحه ۶۶ نیز نیاز به پاورقی دارند. اسم خاص «عبدالله عامر» در صفحه ۱۳ در جلد هفتم هم نیازمند توضیح بوده است. توضیحات پاورقی‌های بیان شده در این مجموعه کامل نیستند. مثلاً در جلد دوم صفحه ۱۵ ارجاع به این شکل آمده است: (خاطراتی از خاندان پهلوی، ص ۲۳) در حالی که بیان سال نشر کتاب از ضروریات ارجاع است که در ارجاع بیان شده درج نشده است یا در صفحه ۵۶ در توضیح شخصیت «آیت‌الله شریعتمداری» در پاورقی نیاز به توضیحات بیشتری بوده و اطلاعات بدیهی که در پاورقی بیان شده است پاسخ‌گوی این نیاز نیست. در پاورقی صفحه ۸۲ نیز بهتر بود سال تولد «جلال‌الدین موفق یامی» بیان می‌شد. همچنین تاریخ تولد و شهادت شهدا در پاورقی‌ها کامل نیستند، مثلاً صفحات ۸۱ و ۹۶ در جلد ۷؛ در جلد چهارم صفحه ۸۷؛ در جلد سوم در صفحات ۹۶ و ۸۳ می‌بایست توضیحات مشروح‌تری در پاورقی ارائه می‌شد. همچنین پاورقی‌ها در باب اشخاصی چون «هاشمی، ربانی، املشی و خلخالی» در جلد چهارم صفحه ۶۲ و «طبسی، هاشمی‌نژاد و عسگرآلودی» در جلد هفتم در صفحه ۵۲، کامل نیستند و باید توضیحاتی بیشتر دربارهٔ این افراد بیان می‌شد.

برخی از پاورقی‌ها نیز در مکان نامناسب بیان شدند نظیر کلمه «خورشا» که اول بار در مقدمه جلد ششم بیان می‌شود اما در پاورقی در مقدمه معرفی نمی‌شود. در ادامهٔ خاطرات در صفحه ۱۵ آمده است: «روستای ما ...» و بعد در پاورقی اسم روستای خورشا بیان شده در حالی که می‌بایست در متن چنین آورده می‌شد: «روستای ما خورشا ...» و بعد در پاورقی اطلاعات خورشا بیان می‌شد. سرانجام روستای خورشا در صفحه ۱۸ در پاورقی معرفی می‌شود. همچنین روستای «جربت» در همین جلد نیز در ابتدای ذکر نامش معرفی نمی‌شود و بعد از چند بار بیان نام آن، در صفحه ۱۷ برای آن پاورقی آورده شده است.

۱۰- ارجاع‌دهی ناقص

در مقدمه‌های این مجموعه منبع یا منابع اطلاعاتی که داده شده ذکر نشده است. در برخی موارد نیز در ارجاعات یک دستی مشاهده نمی‌شود. مثلاً ذکر سال‌ها در ارجاعات، گاه به شکل حروفی و گاه به شکل عددی است مانند صفحه ۶۰ در جلد هفت و صفحه ۸۲ در جلد دو. در برخی از آن‌ها نیز ارجاع کامل نیست مثلاً در جلد سوم صفحه ۱۶ و جلد دوم صفحه ۱۵ سال نشر کتاب ذکر نشده است. علاوه بر این موارد بهتر بود مؤلف منابع و ماخذ خود را به صورت جامع و یک جا پایان هر کتاب ذکر می‌کرد.



۱۱- ایرادات نوشتاری

استفاده از حرکت‌های کوتاه برای آسان‌تر کردن خواندن متن، زمانی کاربرد دارد که در صورت عدم آمدن حرکت کوتاه امکان چند شکل و اشتباه‌خوانی وجود داشته باشد. اما در این مجموعه نوع جدیدی از کاربرد این حرکت‌ها قابل مشاهده است که به نمونه‌های اشاره می‌شود:

دَفترِچَت، به ت، ج ۲، صص ۱۸ و ۱۹؛ جَوَابِ ش، نوشِ جان، ج ۲، صص ۴۱ و ۳۹؛

عَوَاقِبِ ش ج ۴، ص ۶۸. نَشَانِ ش ج ۴، ص ۷۳.

غَسَلِ ش ج ۵، ص ۷۶؛ طَرَفِ شَان ج ۵، ص ۴۵.

بِهَانِشون هم نداشتن آزمایشگاه؛ ساکتِ شون کنیم؛ به م، حیثیتِ ش؛ کَارِتو، خُونتو و ... ج ۶

صص ۴۰ و ۴۱؛

عَلِیهِش، رَاهِ ش، در آوردنِ شَان، به ش، ج ۶، ص ۵۰.

به م، ج ۷، صص ۸۶ و ۱۶؛ رَفَقَائِ م، اَرِشَان، به مان، ج ۷، ص ۸۳.

علاوه بر این، در نگارش املائی کلمات نیز اشتباهاتی رخ داده است مثلاً در جلد دوم صفحه ۳۶ کلمه «هذیان» و کلمه «راهزن‌ها» در جلد سوم صفحه ۲۱، در جلد پنجم در صفحه ۱۵ کلمه «قدغن» و در صفحه ۸۴ کلمه «مذاق»؛ به اشتباه به صورت «هزیان»، «راه زن‌ها»، «غدغن» و «مزاق» نوشته شده است.

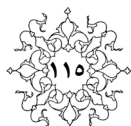
۱۲- اشتباهات چاپی

اشتباهات چاپی که سهواً رخ می‌دهند را نمی‌توان جزو نقد اساسی برشمارد اما ذکر این موارد سبب توجه، دقت و رفع اشتباهات در چاپ‌های بعدی کتاب خواهد شد. در این مجموعه نیز اشتباهات چاپی مشاهده می‌شود مثلاً در جلد ۷ در صفحات ۹۸-۹۶ این اشتباه دیده می‌شود و بخش معرفی راویان، قبل از اتمام داستان «رفتارت معکوس است» در صفحه ۹۷ آورده شده است و بعد در صفحه ۹۸ ادامه داستان بیان می‌شود. در جلد چهارم بخش معرفی راویان، جزو صفحات کتاب احتساب نشده یعنی شماره صفحه نخورده است.

در برخی از جلدها چون جلد دوم، سوم و چهارم بخش معرفی راویان بعد از یک صفحه سفید آمده است اما در جلدهای چون پنجم و ششم این بخش بلافاصله در صفحه بعدی و بعد از اتمام آخرین خاطره آمده است.

نتیجه‌گیری:

مجموعه خاطرات انقلاب اسلامی به روایت مردم خراسان شمالی که در هفت جلد توسط مهدی الهی‌فرد به‌همت دفتر مطالعات پایداری حوزه هنری خراسان شمالی نوشته شده است از ۹۱ راوی،

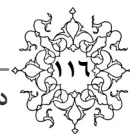


۵۱۰ خاطره از مردم هشت شهرستان خراسان شمالی به ثبت رسیده است؛ خاطراتی که حکایت از حضور و فعالیت مردم آن مرز و بوم در این عرصه دارد. این خاطرات از رنج‌ها و تلاش‌های مردم این مناطق در مبارزه با ظلم و استبداد در به‌ثمر رسیدن انقلاب حکایت می‌کند. این اثر گامی مفید و ارزشمند در جهت ضبط و ثبت خاطرات شفاهی مردم این سرزمین در زمینه تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. تصاویر و رنگ هر جلد خلاقانه و شکیل هستند که سبب جذابیت اثر شده است. عناوین انتخاب شده برای هر جلد و هر خاطره نیز مناسب و جذاب می‌باشند با این وجود، سبک و سیاق نوشتاری این مجموعه، ضبط و ثبت خاطرات و سازماندهی آن‌ها مورد نقد است:

مقدمه‌هایی که در ابتدای هر جلد آمده است به زبان شفاهی و به صورت داستانی و احساسی نگاشته شده‌اند. این مقدمه‌ها مختصر هستند و تنها اطلاعات محدودی دربارهٔ مناطق مورد نظر، در اختیار خواننده قرار می‌دهند. خاطرات، چارچوب و قالب‌بندی مناسبی ندارند؛ بیان داستان‌ها پشت سر هم بدون بخش و فصل‌بندی است و استفاده از تصاویر تنها در بخش‌هایی از این مجموعه، باعث ابهام شده است. نگارش متن نیز به زبان شفاهی و در برخی از موارد به صورت نوشتاری است که بر ناهمگونی اجزای متن افزوده است. در این مجموعه راویان به شکل ناقص و مختصر معرفی می‌شوند؛ در حالی که می‌بایست اطلاعات جامعی دربارهٔ راوی و ویژگی‌های وی بیان می‌شد.

اکثر خاطرات این مجموعه بسیار کوتاه و کلی بیان شدند. به زمان و مکان روی دادن وقایع، حضور و نقش راوی به عنوان محور اصلی خاطرات و جزئیات مرتبط با وی توجه نشده است. عدم توجه به جزئیاتی نظیر احساسات، عکس‌العمل‌ها و ویژگی‌های افراد و ... باعث شده بیشتر خاطرات جنبه گزارشی پیدا کنند. دربارهٔ اقلیم مناطقی که خاطرات مردم آن‌ها مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند و ویژگی‌های ظاهری و رفتاری، شیوه زندگی و آداب و رسوم مردم آن مناطق اطلاعاتی داده نشده است در حالی که در بسیاری از موارد صحبت از این امر ضروری بوده تا سبب جذابیت خاطرات و درک بهتر رفتارها گردد. عدم توجه به بیان جزئیات و عدم تصویرسازی سبب ابهام در موقعیت و رفتارها است که از مهم‌ترین نقدهای وارده بر این اثر می‌باشد.

در این مجموعه برای برخی از مفاهیم، افراد و اماکن می‌بایست در پاورقی توضیحات تکمیلی بیان می‌شد اما در بسیاری از موارد این امر صورت نپذیرفته است. پاورقی‌های بیان شده نیز تنها شرح مختصری در مورد موضوع بیان داشتند که کافی و جامع نیستند. علاوه بر این موارد، عدم یکدستی در ارجاع‌دهی، ایرادات نوشتاری و اشتباهات چاپی را نیز می‌توان در لابه‌لای این هفت کتاب مشاهده کرد. چنانچه این مجموعه با رفع این نقدها به چاپ می‌رسد چه بسا اثری فاخر و منحصر به فرد در تاریخ شفاهی آن دیار محسوب می‌شد.



منابع:

- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۱). پابره‌ها: انقلاب اسلامی در بجنورد به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۱). پینه به دست‌ها: انقلاب اسلامی در مانه و سملقان به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۱). فریاد در خاموشی: انقلاب اسلامی در اسفراین به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۱). کاخ و کوخ: انقلاب اسلامی در شیروان به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۲). رضا و نارضا: انقلاب اسلامی در جاجرم به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۲). طعم انقلاب: انقلاب اسلامی در فاروج به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- الهی‌فرد، مهدی (۱۳۹۲). مشت و درفش: انقلاب اسلامی در گرمه به روایت مردمی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- طالبی، مریم؛ مشهدی، ساره؛ حاجی‌زاده، مریم (۱۳۹۵). نقد و بررسی کتاب تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در اراک. دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۵). تاریخ شفاهی اعم از خاطره‌نویسی است و خاطره‌نویسی اعم از خاطره‌نگاری. برگرفته از سایت <http://oral-history.ir>. آذر ماه.



